



شوش

قلعه شوش - گذشته خرابه‌های شوش خود کتابی مفصل خواهد بود زیرا مدتی دراز پایتخت سلاطین هخامنشی بوده و آثاری هم از آن بوسیلهٔ دمرگان^۱ و دیولافوا^۲ و ۴۰ سال با کوشش نخستگی ناپذیر دومکنم^۳ و بعداً گریشمن^۴ در نتیجهٔ حفاری بدست آمده و بخارج حمل شده و زینت بخش موزه لوور و سایر موزه‌های اروپا و آمریکا گردیده است.

گذشته از قصور و عمارتها و نیز صرف نظر از آثار گرانبهایی که هم اکنون از زیر خاک بدست می‌آید، قلعهٔ زیبایی که یادگار دمرگان و دیولافوا و نمایندهٔ روح آن دوبرنگ است بر روی این خرابه‌ها نمایان می‌باشد. این قلعه در سنوات ۱۸۹۷-۱۹۱۲ میلادی، که این دو عالم در این مکان آمد و رفت داشته‌اند، برپا شده است. آجرهای بسیاری که کتابخانهٔ معروف آن زمان بوده، امروز زینت بخش موزهٔ زیبای شوش است. کف تالارها از یک نوع سیمان قرمز رنگی پوشیده شده که هم اکنون نمایان است. موزائیک‌ها و آجرها و شن‌های رنگارنگ جلوهٔ مخصوصی دارد. قصر ستون‌دار اچادانهٔ دادیوش منظرهٔ خاصی باین بنا داده است. بسیاری از پایهٔ ستونهای حجاری شده بعضی ریخته و سنگهای آن شکسته و از بین رفته است. این پایه ستونها را از پشت کوه و از پای پل، پنج الی شش فرسنگ راه (در حدود سی کیلومتر)، بدین مکان آورده و نصب کرده‌اند. ولی جادهٔ شوسهٔ اهواز - اندیمشک - تهران بسیاری از این پایه‌های پل را از بین برده است.

در کنار این قلعهٔ زیبا، شهر زیبای شوش کنونی با موزهٔ معروف آن جلوه‌گری خاص دارد که از مستحذات قرن اخیر است.

* آقای دکتر بهمن کریمی از باستان‌شناسان پژوهنده. رئیس سابق اداره باستان‌شناسی.

اینک برای روشن شدن مطلب، تاریخ گذشته شوش را برای خوانندگان عزیز نقل میکنم و چون در اینجا مجال تفضیل نیست بمختصر قناعت میشود و طالبین معرفت بیشتر را یادداشت‌ها و کتب دیگر راهنمایی می‌نمایم^۵ :

از زمان بسیار قدیم تا کنون، در کتب مذهبی و غیر مذهبی، حتی در دفتریادداشتهای سیاحان و مسافرین، اسم زیبای شوش زینت هر ورق و دفتری بوده وهست.

هریک از سیاحان و علما که بقصد دیدار ایران و آثار تاریخی آن میامدند، این مکان مقدس و آن نخانه‌های قدیمی بی‌ساکن را، که امروزه تشکیل خرابه و اتلالی داده است میدیدند و یادگار های خوش از آن در خاطر خود نگاه میداشتند، اما حقایقی از آن نمیدانستند و کسی هم متوجه آن نبود که در زیر این خاک چه آثار نفیس از پادشاهان و صنعتگران و نیاکان ما یادگار مانده است. در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) آرزوئی که علمای باستان شناس و مورخین مدت‌ها در دماغ می‌پختند پا از عرصه نیستی به هستی نهاده علمای فراوان بقصد کاوش و گمانه زنی بایران آمدند و چون آثاری در زیر زمینهای شوش یافتند، بیش از پیش، در این راه کوشیدند تا بمقصود رسیدند، بدین ترتیب که در سنوات ۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۵۳، اولین بازرگنت لفتوس^۶ انگلیسی، دست بکار کاوش علمی در شوش شد و مقداری اشیاء و آثار که شامل یادداشتهای اردشیر دوم از قصر داریوش دوم و کوزه‌های سفالین بود بدست آورد و با خود به اروپا برد. در بین سنوات ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ میلادی، مارسل دیولافوا در نتیجه کاوش مقداری از بناهای دوره هخامنشی و ساسانی را در شوش کشف نمود و این کار سبب توجه علمای آثار باستان شد.

باید در نظر داشت که شوش غیر از بنا و عمارات، دارای اشیاء نفیس بسیار بوده است چه مرکز چندین تمدن و پایتخت بسیاری از سلسله‌هایی از سلاطین قدیم ایران در آنجا قرار داشت. از آن زمان بعد، متوالیاً هر سال چند ماهی در این مکان کاوش بعمل آمده و اشیاء تازه‌ای پیدا شده است. در سال ۱۸۹۱ میلادی ژان دمرگان با هیئتی علمی عازم ایران شد و طبق اجازه رسمی از دولت ایران در شوش بگمانه زنی و کاوش و خاکبرداری شروع نمود.

عالم مزبور ابتداء در تپه بزرگ شوش^۷ اکردهیل^۸ بکاوش شروع نمود و تصور میکرد آنجا از زمان قبل از تاریخ تا دوره اسلام تمدنهای کهنه را در دل خود پنهان کرده است و حدس او قریب بیقین شد و بدین جهت دمرگان از سال ۱۸۹۱ - ۱۸۹۷ غیر مستقیم و از سال ۱۸۹۷ تا سال ۱۹۱۲ میلادی، بطور مستقیم، هر ساله مرتباً چندین ماه در شوش و پایتخت عیلام حفاری کامل نموده است.

تپه بزرگی که در زمان قدیم پایتخت عیلام و شهر مهم تاریخی بشمار میرفت، در دو طرف ساحل کرانه واقع شده است و امروز رودخانه شاوود (شاهور) و کرانه دورادور این تپه بزرگ

را محاصره نموده و يك قسمت از شهر، بعلت طغیان رودخانه، بكلی از بین رفته و جزء مسیر رودخانه شده است.

با بررسی كامل روی نقشه بین النهرین، موقعیت شوش نسبت بسایر شهرهای قدیم مانند: ادد - بابل - موصل فعلی که نینوای قدیم باشد معلوم میگردد.

در قدیم رودخانه‌های کارون - کرخه - دجله در دریاچه نمکی میریخته است و مردم بین النهرین اراضی سمت راست دجله را عیلام می نامیدند.

دوستان این شهر را بچهاربخش مهم تقسیم می نمایند و اکنون هم چهار تپه بزرگ دیده میشود:

۱ - تپه بزرگ اکروپل (شهر قدیمی و قلعه مرکزی) که از بین رفته و جز توده‌ای خاک چیزی دیگر بنظر نمیرسد و ۳۸ متر ارتفاع دارد.

۲ - تپه آپادانا (قصور سلطنتی و شهر سلطنتی) در سمت مشرق واقع شده و مکانی است که قصر داریوش اول در آنجا بوده است با ارتفاع ۲۴ متر.

۳ - تپه شهر که در طرف جنوب شهر واقع شده و خرابه‌های شهر بزرگ عیلام را نشان میدهد.

۴ - تپه‌های اصلی که شهر عمومی شوش و خانه‌های معمولی در آنجا واقع بوده است، با ارتفاع ۳۵ متر،

گذشته از این چهار قسمت، محله‌ای نیز در ساحل راست رودخانه وجود داشته است که سابقاً مسکن اهالی بوده و اکنون بستر رودخانه شده و گل و لای خود را باطراف پراکنده و بعبارت دیگر آب آنمکان را گرفته است.

در شوش میتوان يك تمدن بسیار قدیمی از ۵ الی ۶ هزار سال قبل مشاهده نمود که آثاری از قبل از تاریخ و تمدن عیلام و کلدی و آشور و بابل و هخامنشی و یونان و پارت و ساسانی و اسلام بنظر میرسد.

دوستان، در مدت اقامت چندین ساله خود در ایران، از زمینهای تاریخی خوزستان خصوصاً شوش بررسی و کاوش‌های كامل نموده و گمانه‌هایی چند در زمین‌های شوش و اطراف آن، تاپای پل و تپه موسیان زده و اشیائی متعدد و قیمتی بدست آورده است که هر يك گزارشی از تاریخ با عظمت گذشته کشور است و امروز زینت بخش موزه لوور پاریس میباشد و گنجینه زیبایی از آن نیز در موزه ایران باستان قرار دارد. دوستان گذشته از بررسی كامل در شوش و خوزستان، در قسمت بیشتری از غرب ایران مسافرت کرده و نتیجه کار خود را در کتابهای مفصل نگاشته است. البته نمی توان محتویات ۳۳ جلد انتشارات و کاوشهای او را، در این مقاله، یکان یکان، بیان کرد ولی کم و بیش بذکری مختصر خواهیم پرداخت.

برای اطلاع بیشتر، در اینجا، بذکر سخنانی آقای دو مکنم میردازیم که روشنگر قسمتی از تاریخ شوش است. این سخنانی، در شب یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ خورشیدی در تالار

سخنرانی ایران باستان ایراد و توسط آقای مصطفوی رئیس اداره کل باستان شناسی وقت ترجمه و قرائت شد:

«نزدیک به سی سال پیش، یعنی در مرداد ۱۲۸۲ خورشیدی، در بندر پهلوی کنونی و انزلی آنوقت از کشتی پیاده شده و برای ملاقات ژان دمرگان، مأمور اعزامی وزارت فرهنگ فرانسه در ایران، بطرف رشت رفتیم. کاروانیکه هیئت علمی با آن مسافرت می نمود، راه قزوین و تهران و جاده کاشان را عبور کرده و از طریق اصفهان و بختیاری بخوزستان میرفت. در آبانماه همان سال بود که اولین بار در کاوش علمی شوش شرکت نمودم. این خاطرات بنظر من مثل این است که همین دیروز بوده است. در صورتیکه چند روز پیش، بیست و نهمین کاوش خود را در شوش خاتمه داده با راه آهن ۲۲ ساعت از شوش بتهران آمدم.....» «..... هیئت علمی فرانسه در سال ۱۸۹۷ مسیحی در شوش مستقر شد و هر سال مرتباً مشغول کاوش بود تا سال ۱۹۱۲ میلادی که ژان دمرگان بازنشسته شد. در این موقع من عضو وابسته هیئت بودم و تحت نظر عالم معروف آشور شناس^۹ پیرشل^{۱۰} که در ابتدای کار هیئت دمرگان با او همکاری میکرد، کاوشهای شوش را اداره میکردم. در اثر جنگ عالمگیر ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ مسیحی کار ما قطع شده بود. بنا بر این چهل موسم در شوش کاوش علمی بعمل آمده است^{۱۱} لازم ذکر است که هر سال کاوشهای شوش از اول بهمن ماه شروع شده و تا پانزدهم الی آخر اردیبهشت ماه امتداد دارد و بنا بر مقتضیات محل و روزانه ۳۵۰ الی ۱۰۰۰ نفر کارگر در روز مشغول کار و کاوش و خاکبرداری بوده و هستند.»

دو مکنم بعد شمه‌ای از گزارش کاوش در خرابه شوش را تا زمان هخامنشی بیان میدارد تا آنجا که میگوید:

«تپه بزرگ اکروپل فعلیتی نشان میدهد که احداث ساختمانی‌های بزرگ در آن بعمل آمده و در کنار شهر اصلی سه توده^{۱۲} مقابر بنظر میرسد که تشکیل سه تپه داده و هر تپه‌ای معبدی بوده است.

قدیمیترین طبقه شوش، در سال ۱۹۰۸ مسیحی، پیدا شد، بعمق ۲۲ متر در بالای تپه، در آنجا ظروف شوش اول بدست آمده است. پائین‌تر از شوش اول، طبقه دیگر بقطر هفت متر و هشتاد سانتیمتر موجود است که بسیار قدیمی است.

در اینکه پیش از شوش اول، در بعضی نقاط، تمدنی قدیم‌تر بوده تردیدی نیست و امیدواریم در این طبقه ظروفی که از شوش اول هم قدیمی‌تر باشد بدست آید. در هر حال برتری ظروف سفالی شوش اول را (ظرافت - لطافت - رنگ - تزئینات) همه تصدیق کرده‌اند و عقیده کمیته موزه ایران باستان خود بهترین دلیل و قوی‌ترین شاهد است.

اهالی شوش صنعتگران خوبی بودند و رسمها و نقشه‌های بسیار زیبا در ظروف خود بکار میبردند. نوشته‌ای از آنها بدست نیامده لیکن مهره‌هایی پیدا شده است^{۱۲}

طبقه اول شوش یا شوش اول تأثیر مردم کوهستان را در تمدن و زراعت و زندگی شوش نشان می‌دهد. طبقه شوش دوم تأثیر تمدن بین‌النهرین را می‌نماید. ظروف و ساختمانهای مکشوف نظیر همان‌ها نیست که در اودوک بر ساحل فرات، پیدا شده است. دیوارها با میخ‌های سفالین رنگین تزئین شده بود که دنباله این سلیقه تا دوره اسلام امتداد دارد.

از ۳۲۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد کمی فلز بکار رفته است.

از ۳۰۰۰ تا ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد ظرفهای سنگی.

از ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد، قبوری ازخشت خام - ظروف مسی - آینه -

النگو - سرنیزه - خنجر - کارد - تبر - چرخ عرابه. ۱۲

از ۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد، ظروف منقوش - مجسمه مرمری.

از ۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد، تحت تأثیر نژاد سامی، ظروف قیری ۱۴ سپس قبور اجری.

تسلط پادشاهان عیلام تا قرن هفتم ادامه داشت (۶۴۰ قبل از میلاد) سپس فتح شوش بدست آشود پانیپال صورت گرفته است.

شاهان هخامنشی، تپه شمالی شوش را که آنهم توده مقبره‌های ادوار سابق بوده برای احداث کاخ خود اختیار کردند. آجرها و کاشی‌های زیادی، بسبب دوره بابل جدید، در آن بکار رفته و دیوارهایش را زینت داده است.

شالوده این کاخ از نه متر شن درست شده است و خوشبختانه در این کاخ سه حیاط وجود داشته که برای کاوش علمی مورد استفاده کامل واقع گردید و در آنجا زمین زیر را بر نداشته بودند. طول کاخ ۲۵۰ متر و پهنای آن ۱۵۰ متر و در شمال آن تالار باربا ۳۶ ستون مانند تالار تخت جمشید آبادانا ۱۵ دیده میشود که از هیچیک از ستونها هم اثری باقی نبود. تده ستون ایوانهای طرفین گرد و ستونها مرکب از چهار قطعه و هر کدام سه یا چهار متر طول داشته است.

آثار فعلی مربوط به ادهشیر دوم است و بنای اصلی متعلق به داریوش بکلی ازین رفته و با خاک یکسان شده است.

سبک ستونها مانند تخت جمشید و سرستونها نیز مرکب از دو کله با تنه آدم یا دو کله و بدن حیوان بوده است.

کف تالار از تخته سنگهای بزرگ مفروش و دیوارها برنگ آبی مزین بوده و بین قطعات سرستونها، قطعات سرانسان یا بدن حیوان پیدا شده است که سرستونهای تخت جمشید را یاد می‌آورد. دیوارهای کاخ در بدنه‌های آجرکاری و کاشی کاری پوشیده بود و چون هرده سال این بدنه‌ها را عوض می‌نمودند لذا در ضمن خاکبرداری سایرانیة مجاور، مقداری از این گونه آجرها و کاشی‌ها بدست آمده که مورد استفاده مجدد قرار گرفته بود.

مهمترین ادوار شوش بهمین دوره ختم میشود و ذکر دوره‌های اشکانی و ساسانی و عرب موجب



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ظروف و آلات و اسباب که از هر یک از این طبقات بدست آمده تاریخ آنها معین میکند و با نظر کامل بدوره‌های مختلف، هر یک از سنین گذشته آن بدست می‌آید. اینک جهت روشن شدن مطلب نمایشی از طبقات و سال تقریبی آن ذکر میکنیم: (تا قرن ششم هجری - سیزدهم میلادی).

دوره اسلامی	دوره میلادی
J دوره سلاطین ساسانی	میلادی ۲۲۶
I دوره پارتها	قبل از میلاد ۲۵۰
H دوره هخامنشی	قبل از میلاد ۵۵۰
G دوره آشوریا	قبل از میلاد ۱۲۰۰
F دوره کاسیتها	قبل از میلاد ۱۵۰۰
E حمورابی یا اولین سلسله بابل	قبل از میلاد ۲۰۰۰
D دوره پایتختی اورسوم. دوره پادشاهی گودآ	قبل از میلاد ۲۳۰۰
C شوش دوم ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰	قبل از میلاد ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰
B حدفاصل تاریخ و قبل تاریخ (برزخ)	قبل از میلاد ۳۰۰۰
A شوش اول	قبل از میلاد ۳۲۰۰-۳۵۰۰

پینوشتها

- ۱- Demorgan ۲- Dieulafoy ۳- Demecguenem ۴- Ghirchman
- ۵- یادداشتهای ژان دمرگان
- کاناوگ آثار باستانی کلبه درموزه لوور پاریس
- تاریخ صنعت پرورش بیه Perrot et Chipiez
- تاریخ شرق ماسپرو Masperot
- اولین تمدن یا تمدنهای اولیه، ژان دمرگان
- تاریخ سومرواکد کینگ King
- تاریخ بابل کینگ
- تاریخ شرق جدید هال R. Hall
- انسانیت در قبل از تاریخ، ژان دمرگان
- بین‌النهرین و تمدن بابل و آشور دولاپرت Delapporte
- تاریخ آشور المتد Olmted

۶- Sir kennetloftus ۷- Acropole

۸- رجوع شود بکتاب مسیودومکنم رئیس قسمت حفاری و کاوش شوش بمدازمسیودمرگان.

۹- Assyriologue ۱۰- Le pereschelle

۱۱- نتیجه کوشها و تحقیقات در يك جلد از طرف سر کنت لفتوس و در چهار جلد از طرف خانم دیولافوآ و در سیزده جلد از طرف هیئت اعزامی بریاست ژان دمرگان بنام مؤسسه علمی ژان دمرگان و در پانزده جلد توسط مسیودومکنم و گریشمن بطبع رسیده است.

۱۲- این مهرها بشکل استوانه و دارای سوراخی در وسط است که گویا بگردن می آویختند. اطراف این مهرها نیمه کنده کاری و دارای نقوش حیوانات یا نقوشی است که روی کاغذ یا ماده نرمی مانند موم می غلطانیدند. جنس این مهرها از سنگ، عاج، پشم یا صدف است. در موزه ایران باستان، از این مهرها که در تمام نقاط ایران بدست آمده است بسیار وجود دارد و روی موم یا نوعی کچ غلطانیده شده و نقشه های زیبایی بوجود آورده است.

۱۳- ظروف این قبور کاملاً منقوش بود.

۱۴- سبک زندگی مردم از روی آلات و ادوات معلوم میگردد. این خود بحثی مفصل است که اگر مجال و حالی بود در مقاله مفصلی بذکر آن خواهیم پرداخت.

۱۵- Apadana ۱۶- Antigon ۱۷- Jequier ۱۸- Lampre

۱۹- Gautier ۲۰- Toscané ۲۱- Pezare

۲۲- رجوع شود به De Cllogan - Gautier کلیات سومر و اکد Pottier Thureau

Dangin

پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

این ذوق و سماع ما مجازی نبود
این وجد که حال ما سبازی نبود
بابی خبران بگو که امی بخیردان
بیهوده سخن ما این درازی نبود
شیخ علاءالدوله سنائی